

مهاجرت، بحران یا فرصت؟ نگاهی دوباره به مسئله مهاجران افغانستانی در ایران

اشرف سادات جلال‌زاده-روزنامه نگار

مسئله خروج افغان‌ها از کشورو نگاه جامعه به موضوع مهاجر پذیری در ایران در ابعاد متفاوت قابل بررسی و گفتگو است نگاهی جامعه به این موضوع توسط نخبگان و صاحب نظران می تواند جامعه را در ابعاد فرهنگی ارتقا دهد که اینکه از کشوروما مهاجران زیادی در اقصی نقاط دنیا، زندگی می کنند و با اینگونه چالش‌ها مواجه نیستند

ایران و افغانستان دو کشور با اشتراکات زبانی، فرهنگی و تاریخی بسیاری هستند با این حال مهاجران افغانستانی در ایران بیش از چهار دهه است که تجربه‌ای متفاوت اغلب پرچالش و گاه حتی تلخ از زندگی در کشور میزبان داشته‌اند. آنچه در این سال‌ها از سوی دولت‌های مختلف به عنوان سیاست مهاجرتی اتخاذ گردیده است بیشتر بر مبنای ملاحظات امنیتی، اقتصادی و موج‌های ناگهانی مهاجرتی بوده تا نگاهی ساختاریافته و انسانی به مسئله مهاجرت.

در طول این سال‌ها بخش زیادی از مهاجران افغانستانی علی‌رغم حضور چندهساله در ایران هنوز از ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی بهره‌مند نیستند. نبود سیاست ادغام اجتماعی منسجم باعث گردیده این افراد در اغلب موارد در مشاغل فرودست، بدون حق تحصیل ، بدون بیمه، حق تملک مسکن یا حتی دسترسی کافی به خدمات درمانی زندگی کنند . کودکانی که در ایران متولد شده‌اند ، فارسی را همچون زبان مادری درک و صحبت می کنند اما هنوز در نظام حقوقی ما اتباع بیگانه محسوب می‌شوند. این بی‌هویتی حقوقی و اجتماعی، سبتر ناهمواری برای رشد نسلی است که نه به طور کامل افغانستانی باقی مانده و نه به عنوان ایرانی پذیرفته شده است.

نگرانی‌هایی که برخی از شهروندان ایرانی نسبت به حضور پرشمار مهاجران ابراز می‌کنند، ریشه در واقعیت‌هایی دارد که باید با شفافیت به آنها پرداخته شود . از جمله این دغدغه‌ها، رقابت بر سر فرصت‌های شغلی، فشار بر منابع عمومی، مانند آب، برق و زیرساخت‌های شهری، و همین‌طور نگرانی‌های امنیتی یا فرهنگی است. در سال‌های اخیر در سبایه افزایش مهاجرت غیرقانونی برخی رسانه‌های غیرسررمی و کانال‌های خبری با انتشار داده‌های نادرست و غیر قابل مستند ترس عمومی را افزایش داده اند .این وضعیت منجر به قطبی‌سازی شدن در افکار عمومی و افزایش گفت‌مان‌های افغان‌ستیزانه گردیده است.

نایاب‌فراמוש کنیم که ناشدن نظام مهاجرتی شفاف در ایران خودز مینه‌ساز شکل‌گیری مهاجرت‌های غیرقانونی، عدم پایش دقیق مهاجران و ناتوانی در برنامه‌ریزی جمعیتی بوده است. تا زمانی که ایران خود فرآیندی رسمی و قانون‌مند برای اعطای اقامت شهروندی یا حداقل دسترسی حقوقی به مهاجران نداشته باشد، نمی‌توان از تبعات منفی مهاجرت غیرقانونی شکایت کرد.

در مقابل تهدید‌ها فرصت‌هایی نیز وجود دارد . آنچه اغلب در این گفت‌وگو‌ها مغفول می‌ماند، ظرفیت‌های بزرگی‌ست که مهاجران افغانستانی برای کشور میزبان دارند. بخش بزرگی از این جمعیت، جوان، اهل کار، دارای پیوندهای فرهنگی با جامعه ایرانی و مشتاق به رشد و ارتقا هستند. حضور آن‌ها در بازار کار به‌ویژه در حوزه ساخت‌وساز، کشاورزی، خدمات شهری و صنایع سبک در چهار دهه اخیر بخشی از زیرساخت اقتصاد غیرسررمی ایران را حفظ کرده است.

علاوه بر این، اشتراکات زبانی میان فارسی‌زبانان دو کشور، پیشینه تمدنی مشترک و تعلق خاطر به شخصیت‌هایی چون مولانا، فردوسی، بیدل دهلوی و سنایی می‌تواند به بستری برای شکل‌گیری دیپلماسی فرهنگی میان دو ملت منجر شود. تجربه دیگر کشور‌ها نشان می‌دهد که با طراحی نظام‌هایی برای ادغام اجتماعی، اعطای حق اقامت، آموزش زبان، خدمات فرهنگی و دسترسی برابر به آموزش و درمان، مهاجران به سرمایه اجتماعی تبدیل می‌شوند، نه

نگاهی به سیر تاریخی مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران از موج اول در پی اشغال افغانستان توسط شوروی در سال ۱۳۵۸ تا امروز نشان می‌دهد که ایران در هیچ دوره‌ای سیاست مهاجرتی انسجام یافته‌ای نداشته است. بر‌خورد‌های مقطعی، محدودیت‌های ناگهانی، اخراج‌های جمعی یا صدور مجوزهای موقت، همگی پیام‌هایی متناقض به مهاجران ارسال کرده و امکان شکل‌گیری رابط‌ای پایبند و قابل پیش‌بینی میان دولت و جامعه مهاجر را از بین برده است.

تجربه کشورهای مهاجرپذیر مانند آلمان، کانادا یا حتی ترکیه نشان می‌دهد که ادغام موفق مهاجران نه تنها هزینه‌زا نیست، بلکه در بلندمدت بازده اقتصادی و اجتماعی به مراتب بالاتری دارد. مهاجری که احساس کند به رسمیت شناخته شده، سهمی در جامعه دارد و می‌تواند آینده‌ای برای فرزندانش بسازد، کمتر دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شود و خود را عضوی از جامعه میزبان می‌داند، نه بیگانه‌ای موقت.

شاید زمان آن رسیده باشد که نگاه صفر و یکی به پدیده مهاجرت را کنار بگذاریم. مهاجرت نه به طور ذاتی بحران‌زاست و نه تماماً فرصت‌ساز است. آنچه سرنوشت آن را تعیین می‌کند، نوع مواجهه ما با آن است. باید پذیریم که در جهانی به‌شدت نابرابر، مهاجرت بگرنه، محرک برای زیست‌انسانی است. ما خود نیز در مقام مهاجر، در اقصی‌نقاط جهان حضور داریم و از نظام‌های مهاجرپذیر بهره می‌بریم با توجه به پیوندهای عمیق فرهنگی میان ایران و افغانستان، امروز بیش از هر زمان دیگری به گفت‌وگویی متعادل نیاز داریم؛ گفت‌وگویی که هم دغدغه‌های مردم ایران را در نظر بگیرد، هم کرامت و حقوق مهاجران افغانستانی را، طراحی یک نظام جامع مهاجرتی با امکان اعطای اقامت و مسیر شهروندی، آموزش زبان و فرهنگ، حمایت از حقوق کودکان مهاجر و نظارت دقیق بر ورود و اشتغال مهاجران، می‌تواند هم نگرانی‌ها را کاهش دهد و هم از فرصت‌ها به‌خوبی استفاده کند.

در نهایت، ادغام اجتماعی نه‌فقط وظیفه دولت بلکه مسئولیتی ملی است. همان‌گونه که خشونت، بی‌توانی و تحقیر، زخم‌های عمیقی را بافت اجتماعی ایجاد می‌کند، مدلی، آموزش و سیاست‌گذاری عادلانه می‌تواند آینده‌ای بهتر برای همه ساکنان این سرزمین فراهم کندچه آنان که در آن متولد شده‌اند، چه آنان که ناگزیر به آن پناه آورده‌اند.

گام بلند فولاد مبار که در توسعه انرژی‌های پاک و حفاظت از محیط زیست

احمدرضا لاهیجان‌زاده، معاون محیط زیست دریایی و تالاب‌های سازمان حفاظت محیط زیست؛اقدامات شاخص فولاد مبارکه در حوزه محیط زیست، راه‌اندازی و بهره‌برداری از نیروگاه خورشیدی ۶۰۰ مگاواتی نمونه‌ای بارز از حرکت صنایع به سمت انرژی‌های پاک است و این اقدام می‌تواند الگویی مؤثر برای سایر صنایع بزرگ کشور باشد.

اگر این روند تداوم یابد، می‌توان امیدوار بود که در سال‌های آینده ناترازی انرژی کشور تا حد قابل توجهی کاهش یابد.

فولاد مبارکه در زمینه کنترل آلودگی هوا و کاهش مصرف آب نیز عملکردی قابل تقدیر داشته است. از جمله می‌توان به خرید پساب تصفیه‌شده از شهرهای اطراف و اجرای پروژه انتقال آب از دریا به استان اشاره کرد که موجب کاهش برداشت از منابع آبی زاینده‌رود شده است.

این اقدامات گامی مؤثر در تحقق توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی کشور دانست.

رئیس نگهداری و تعمیرات احیا مستقیم شرکت فولاد هرمزگان مطرح کرد:

افزایش عمر تجهیزات احیا مستقیم با تعمیرات به‌موقع و بهره‌برداری دقیق و اصولی



از زمان‌های تعمیرات برنامه‌ریزی‌شده یکی از رویکردهای واحد تعمیرات در راستای افزایش زمان عملیاتی واحد احیا مستقیم بوده است، خاطرنشان کرد: در این زمینه، ابتدا تلاش می‌شود تا با بازیابی و بهبود روش‌های انجام PM تجهیزات به‌صورت مستمر، کیفیت انجام PM را ارتقا دهیم. این کار به‌مرور باعث کاهش خرابی‌های تجهیزاتی می‌شود و در بسیاری موارد، به دلیل کم بودن خرابی‌ها، زمان کمتری به تعمیرات برنامه‌ریزی‌شده اختصاص می‌یابد. از طرفی، به‌محض بروز خرابی‌هایی که به توقف طولانی‌مدت خط تولید منجر می‌شود و یا خرابی‌های تکرارشونده، تیم آنالیز خرابی با محوریت دفتر فنی تعمیرات تشکیل می‌شود و با حضور کارشناسان فنی واحدهای ذی‌نفع، اقدامات لازم برای ریشه‌یابی علل خرابی و تعریف اقدام اصلاحی صورت می‌گیرد. نتایج این اقدامات، کاهش میزان توقفات اضطراری واحد احیا مستقیم از ۲ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۰.۶۹ درصد در سال ۱۴۰۳ بوده است.

پورامینی اضافه کرد: یکی دیگر از اقدامات صورت‌گرفته در راستای افزایش زمان عملیاتی واحد، استفاده از زمان‌های مرده‌ای است که در اثر کمبود برق و گاز به واحد تحمیل می‌شود. در چنین شرایطی با انتقال زمان‌های اختصاص داده‌شده به تعمیرات برنامه‌ریزی‌شده به مواقع محدودیت انرژی، به‌صورت فرصت‌طلبانه از شرایط ایجادشده برای انجام فعالیت‌های تعمیراتی استفاده می‌شود. کاهش مصرف انرژی وی به رویکرد کاهش مصرف انرژی در واحد

و به رویکرد کاهش مصرف انرژی در واحد

و به رویکرد کاهش مصرف انرژی در واحد

نقطه عطفی در حکمرانی توسعه معدنی در ایران

توسعه زنجیره معدن، اکنون تلاش دارد با الگوبرداری از تجربیات جهانی و تطبیق آن با شرایط خاص اقتصاد ایران، الگوی تازه‌ای از حکمرانی سرمایه‌گذاری را به کار گیرد. یکی از محورهای مهم از نگاه مدیر ایمپاسکو، عبور از درک سنتی از سرمایه‌گذار به‌عنوان «تأمین‌کننده مالی» و تعریف مجدد نقش او به عنوان «شریک توسعه‌یاب‌ار» است. این تغییر پارادایم، بیانگر یک نگاه سیستمی و بلند مدت به سرمایه‌گذاری در حوزه معدن است. در واقع، سرمایه‌گذار دیگر تنها پول نمی‌آورد، بلکه با خود دانش، فناوری، مهارت مدیریتی، ظرفیت تحلیل داده و نگاه استراتژیک هم به میدان می‌آورد. این نگاه تازه، باعث می‌شود رابطه دولت و بخش خصوصی از حالت پیمانکاری صرف، به سمت مشارکت واقعی و برد-برد حرکت کند. اما این مدل مدلی تلفیقی شامل منبع مجوری، سرمایه مجوری، فناوری مجوری می‌شود. منبع‌مجوری به نوعی تمرکز بر کشف ذخایر و شروع فعالیت اکتشافی دارد. همچنین سرمایه مجوری ورود منابع مالی برای توسعه واقعی» است، یعنی حضور بخش خصوصی از مرحله



در حالی که مدل‌های پیشین، مسیر واگذاری پهنه‌های معدنی را با چالش مواجه کرده بود، ایمپاسکو در دوران جدید، گام در مسیر تازه‌ای گذاشته و آن هم مشارکت واقعی با بخش خصوصی، از مرحله تحلیل داده تا بهره‌برداری نهایی است.

ایمپاسکو، به عنوان یکی از بازوهای اجرایی دولت در

همکاری بانک رفاه کارگران و ذوب آهن اصفهان در راستای ارائه ابزارهای نوین تأمین مالی دکتر اسماعیل‌الله‌گانی مدیرعامل بانک رفاه کارگران و هیئت همراه با حضور در ذوب آهن اصفهان، ضمن بازدید از این مجتمع صنعتی با مهندس سید اردشیر افضلی مدیرعامل آن با هدف هم افزایی و توسعه همکاری‌ها بین شرکت های زیر مجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دیدار و گفت‌گو کرد.

مدیرعامل ذوب آهن اصفهان در این دیدار، به تامل و همکاری خوب بانک رفاه کارگران با این مجتمع عظیم صنعتی که هر روز زیر مجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هستند اشاره کرد و این دیدار را فصل تازه ای برای توسعه این همکاری ها دانست.

وی گفت: ذوب آهن اصفهان هم اکنون پروژه ها و برنامه های مختلفی برای افزایش کمی و کیفی تولید، افزایش تنوع محصول، تولید محصولات با ارزش افزوده بالا، کاهش قیمت تمام شده، کاهش مصرف انرژی و ارتقاء تکنولوژی در دست اقدام دارد که اجرای آنها تحول مهمی در این شرکت رقمی می زند.

مهندس اردشیر افضلی به اجرای طرح تولید گندله در بخش آگلومراسیون اشاره کرد که ضمن نتایج مثبت مالی، در ساماندهی نیروی انسانی نیز مؤثر است و ابراز امیدواری نمود که به زودی شاهد راه اندازی آن باشیم. تولید چند گرانه‌وله که در کوره های قوس الکتریکی کاربرد دارد، پیشبرد طرح تزریق پودر زغال و اجرای آن در همه کوره بلند ها که مصرف کک را تا ۴۰۰ کیلوگرم کاهش می دهد، استفاده از تکنولوژی پاشش سرباره در دو کورتور بخش فولادسازی که رکورد ۹۱۲۵ ذوب را به همراه داشته و چند طرح برای ارتقاء تکنولوژی از جمله مواردی است که مهندس افضلی به آنها اشاره نمود. مدیرعامل ذوب آهن اصفهان در بخشی از سخنان خود به تولید محصولات جدید و با ارزش افزوده بالا اشاره کرد و گفت: تلاش می کنیم با تولید شمش بیلم بانک، تیرآهن های بال پهن با سایز ۳۰ به بالا را تولید کنیم که

